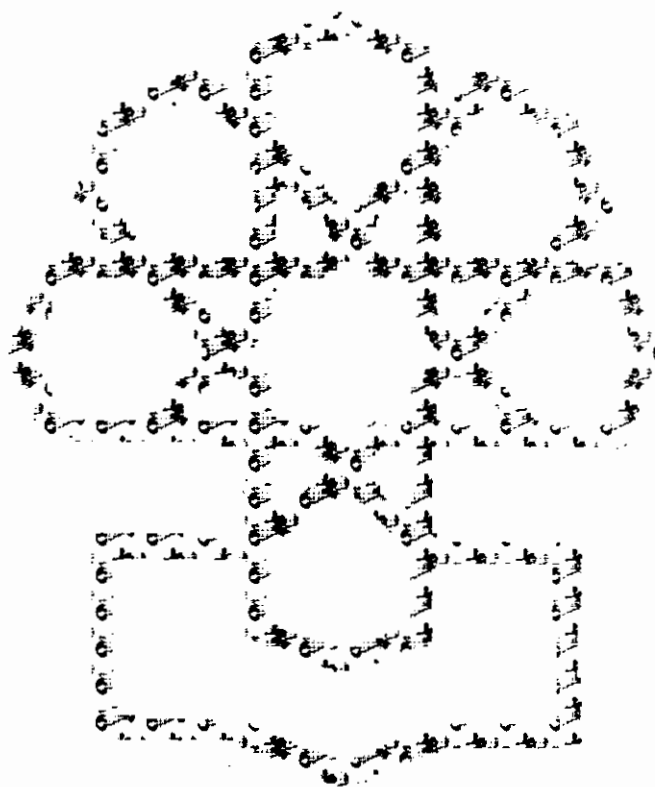


۴۲۸۵
۲



پاسخ به چند پرسش



کار: گروه سیاست خارجی، دفتر بررسی‌های سیاسی و اجتماعی

معاونت پژوهشی

بهمن ۱۳۷۷

کد گزارش: ۲۲۰۴۲۸۵

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی
شماره: ۱۰۳۵۹
تاریخ: ۷۸ / ۲ / ۵

۱- نکاتی پیرامون روابط ایالات متحده امریکا و ایران

- * اشاره به عدم وجود کوچک‌ترین تغییر در روابط خصمانه ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران.
- * اشاره به مستمر قرار دادن مسائلی دروغین از قبیل دخالت ایران به تروریسم، نقض حقوق بشر، تلاش برای دستیابی ایران به تسلیحات کشتار جمعی و..... به منظور منزوی ساختن ایران در صحنه بین‌المللی و جلوگیری از به ثمر نشستن تلاش‌های ایران در جهت توسعه پویا و پایا.
- * اشاره به ادعای کذب امریکا در جهت بهبود روابط با ایران و عملکرد مخالف این ادعا.
- از جمله عمکردهای قابل ذکر ایالات متحده امریکا می‌توان به:
 - حمله به شهرهای ایران در خلال موشکباران‌های شمال و جنوب عراق (احتمالاً حمله موشکی ایالات متحده به آبادان و خرمشهر هشدار می‌دهد که برای همکاری با واشنگتن جهت تغییر رژیم عراق بوده است) در این راستا اشاره به سخنان «ایندایک» در مورد ایجاد موانع برای ایران جهت پذیرش گفتگوی مستقیم با واشنگتن درخور ذکر است.
 - تصویب بودجه براندازی رژیم در کنگره آن کشور؛
 - تصویب بودجه برای تأسیس رادیو به اصطلاح «آزادی» در جهت تضعیف رژیم حاکم بر ایران.
 - ترسیم تصویر نادرست از کوشش‌های ایران برای استفاده صلح‌آمیز از اتم و تشویق کشورهای همکار برای قطع و لغو قراردادهای هسته‌ای به ایران (اشاره به سفر اخیر «مادلین آلبرایت» به روسیه جهت ترغیب مسکو به قطع همکاری اتمی با ایران).
 - حضور نیروهای امریکایی در خلیج فارس شامل لاقط مشتمل بر ۲۸ هزار پرسنل، ۲۴ هواپیما و ۳۱ ناوبر.
 - اعمال نفوذ در کشورهای دیگر جهت دوری از ایران و ترسیم آن به صورت کشوری متجاوز که در صدد الحاق همسایگان به خود است.
 - تشجیع و تمویل نیروهای معاند و معاضد از کلیه طرق ممکن.
 - تقویت کمربند استراتژیک مقابله با ایران در منطقه، به ویژه اشاره به مورد اخیر در خصوص مخالفت با انتقال نفت منطقه از طریق خاک ایران علی‌رغم اقتصادی بودن آن و تشویق سیاستمداران جمهوری آذربایجان در جهت اعطای اجازه به امریکایی‌ها برای احداث پایگاه نظامی در خاک آن کشور و سعی در توسعه مناسبات کشورهای مسلمان منطقه به ویژه ترکیه، جمهوری آذربایجان و بعضی از کشورهای آسیای میانه با رژیم صهیونی.
- * اشاره به تغییر تاکتیک‌های متداول در روابط بین‌الملل از طریق حدوث «انقلاب در اطلاعات» و سوءاستفاده امریکا از این انقلاب در رسانه‌های صوتی و دیجیتالی.

* اشاره به پخش شایعات و اخبار کذب از طریق رادیو آزادی و اخبارهای کامپیوتری که مخبران آن نیروهای ضد انقلابند. در این راستا می‌توان به شگرد جدید این رادیو برای رخنه و القای نظرات در ذهن اندیشمندان ایرانی اشاره کرد که با هدف ایجاد و خلق روشنفکرانی فارغ از آموزه‌های ارزشمند دینی صورت می‌گیرد و تمرکز آنان نیز روشنفکر نمایانی هستند که تلون مزاج موجود در آنها و عدم ثبات شخصیتی آنها باعث می‌شود تا فریب تبلیغات به ظاهر دوستانه و در باطن خصمانه مبلغان فریبکار را خورده و به صورت ناراضیان و نقادانی (با عنایت به وجه منفی آن) در جامعه و در مقابل نظام ظهور کنند.

بدیهی است که ایالات متحده آمریکا با بهره‌گیری از توان انتقال اطلاعاتی خود سعی در رخنه در اذهان دارد. چون به خوبی دیده است که از عاب و تهدید از انواع مختلف آن، از تهدیدهای بلندمدت برنامه‌ریزی شده نظیر سیاست مهار دوگانه و تحریم گرفته تا تهدیدهای کوتاه مدت نظیر شلیک موشک به شهرهای ایران به بهانه «سهو» ترسی ندارد. لذا هم خود را متوجه ایجاد تزلزل در «باورها» ساخته است تا از این طریق به خیال خود رکیب‌ترین رکن نظام را هدف قرار دهد. فارغ از این که علی‌رغم تأثیرات احتمالی مقطعی، به جهت شمار اندک متأثران از آن، چنین تاکتیکی شکست خورده است، مع‌ذک لازم است:

با بیداری و هوشیاری چنین رخنه‌های مزورانه‌ای را مدنظر داشت و با برنامه‌هایی «باورهای سازنده» را در میان آحاد مردم و به ویژه جوانان عزیز کشور بازور ساخت و با شناخت روحیات و نیازهای نسل جوان به توقعات منطقی و معقول آنان پاسخ مثبت داد و آنان را در داشتن شخصیتی باثبات و خودباور، شناخت عمیقانه تعالی واقعی، شناسایی سره از ناسره، عدم تزلزل در مقابل القانات زیان‌بار و در نهایت تبدیل آنان به عناصر اصلی جامعه‌ساز، هدایت کرد.

مواضع

* تأکید صریح بر سوءاستفاده آمریکا از انقلابی که در انتقال داده‌های اطلاعاتی رخ داده است، به جهت نیت مسموم آن کشور و دسترسی وی به تجهیزات انتقال داده‌ها؛

* سیاست هدف قرار دادن شخصیت‌های متزلزل و تسری القانات خود به درون جوامع از کلیه طرق ممکن از جانب ایالات متحده.

* تصریح بر این که حتی متمایل‌ترین افکار به ایجاد روابط با دولت آمریکا که بعضاً در مان هر معضل داخلی من جمله مسائل اقتصادی را در ایجاد این رابطه می‌بینید، بر وجود تحرکات مخرب و خصمانه (از نمونه آنچه گذشت) مهر تأیید می‌زنند.

* اشاره به این مضمون که زیر بستر هر ارتباط بین‌الدولی، نیازمند وجود جو اعتماد یا تلاش برای «اعتمادسازی» است و این که حتی کوچک‌ترین آثاری از وجود این جو قابل مشاهده نیست.

* اشاره به این که تحرک اخیر آمریکا و شلیک دو موشک به شهرهای ایران، جو عدم اعتماد را بسیار ضخیم‌تر ساخته است.

* اشاره به این که علی‌رغم اتخاذ «سیاست بی‌طرفی» در موضع کنونی توسط تصمیم‌سازان سیاست خارجی، ملت و آحاد مردم ایران حق «طلب بخشش، عذرخواهی رسمی، جبران مافات و حق دفاع مشروع از تمامیت ارضی و شخصیت بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران» را برای خود محفوظ نگاه می‌دارند و ادعای آمریکا در مورد وجود «سهو» و «سهل‌انگاری» در تعیین مواضع نظامی موردنظر را صادقانه نمی‌پندارند و آن را حلقه‌ای

از زنجیره مواضع خصمانه فیزیکی دولت و کنگره آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران قلمداد می‌کنند.
* اشاره به امکان رجوع ایران به دادگاه لاهه و سازمان ملل متحد و درخواست غرامت در میان طرق قبایل اتخاذ.

* در جهت القای اهمیت و جدیت موضوع می‌توان به تجلی و انعکاس واکنشی که مردم در راهپیمایی بیستمین سالگرد انقلاب در قبال این موضوع خواهند داشت اشاره و گستردگی آن را ان شاء... با موضوع وحدت افکار و جبهه واحد داخلی در قبال شبیختن‌های آمریکا مرتبط ساخت.

۲- بحثی در باب تحرکات اخیر آمریکا و انگلستان علیه عراق

* اشاره به این که تحرکات اخیر آمریکا و متحدش انگلستان علیه کشور عراق در روزهای اخیر دارای دو وجه است؛ وجه نظامی و غیرنظامی. آمریکا از اقدام اخیر خود در صدد کسب دو هدف به صورت موازی است:

- ارباب با قصد سرنگونی و تغییر رژیم عراق؛

- تثبیت سیطره خود در منطقه.

* آخرین وجه نظامی این اقدامات شنیک ۸ موشک به شمال (موصل) و جنوب (العماره) عراق است و در جهت تقویت نیروی نظامی (که ظاهراً برای تقویت تحریم علیه عراق عنوان می‌شود)، ناوگان جدیدی به جنوب خلیج فارس اعزام شده که نتیجه بلافصل این امر تشنج بیشتر در منطقه خواهد بود.
* تأکید بر یک‌جانبه بودن اقدام آمریکا و متحدانش علیه عراق.

* اشاره بر این که اقدام یک‌جانبه برخلاف اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد است.

* تأکید صریح بر «منع توسل به زور» به عنوان یکی از بارزترین و برجسته‌ترین قواعد آمره بین‌المللی.

* بحث جانبی پیرامون این مطلب که: حتی اگر بپذیریم مقوله نقض صلح و امنیت بین‌المللی از جمله مصادیقی است که باید جامعه بیدار بین‌المللی در مقابل آن به واکنش مبادرت کند، مسلماً و محققاً احراز وجود نقض باکشور آمریکا نیست و جامعه بین‌المللی در قبال حفظ صلح و امنیت بین‌المللی چارچوب‌های روشنی دارد که فصل هفتم منشور سازمان ملل به آن تحت عنوان «اقدامات اجرایی جمعی» اشاره واضح و روشن دارد. آمریکا در وقع نهادن به این اصول مسبوق به سابقه است. چه در تهاجمات آزادسازی کویت و چه تهاجم‌های ادواری این کشور علیه عراق - علی‌الاصول رفتار و موضع‌گیری آمریکا آن است که خود را ملزم به ارضای شرایط منشور و اقدام در چارچوب مواد ناظر بر شورای امنیت نمی‌داند.

* تأکید بر این نکته که چنین تهاجماتی، فارغ از نیاتی که در آن نهفته است؛ قواعد مسلم ناظر بر حقوق بین‌الملل را نظیر:

- وجوب احترام به اصل تمامیت ارضی؛

- حق حاکمیت؛

- عدم مداخله در امور داخلی دیگران؛

- عدم توسل به زور.

را نقض کرده است و خود به صورت عامل تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی درآمده است نه مدافع آن.

* اشاره به ادعاهای نقیض آمریکا در خصوص حمایت از حق و حقوق مردم عراق.

از یک سو - حمایت از پایداری تحریم‌ها که متضرران اصلی آن «مردم» عراق هستند و از سوی دیگر - رفتار مزورانه درخصوص تمایلات بشر دوستانه و کوشش برای رهایی مردم عراق و تسکین آلام آن، از جمله بارزترین این عملکردها منافقانه است.

* اشاره بر این نکته که امریکا به عناوین مختلف سعی دارد «علت وجودی» خود در منطقه را جدی و بایسته نشان دهد و در حال حاضر مسئله تغییر رژیم حاکم بر عراق را سرلوحه و علت این استمرار حضور نشان می‌دهد.

* اشاره بر این نکته که سه اصلی را که امریکا اخیراً سرلوحه نحوه برخورد خود در قبال عراق نشان می‌دهد، تنها دستاویز برای تشنج آفرینی‌های جدید در منطقه است.

دو اصل از این سه اصل یعنی اعاده اجماع نظر در شورای امنیت سازمان ملل و توسعه برنامه‌های کمک‌رسانی و عملیات امدادی سازمان ملل در عراق، عملاً با رفتار یک‌جانبه امریکا و عملیات خصمانه علیه مردم عراق در تعارض کامل است و تنها اصل سوم یعنی براندازی رژیم عراق است که طی روزهای اخیر از طریق دیپلماسی و رایزنی امریکا با کشورهای عربی دنبال می‌شود.

* تأکید بر این که ایران ضمن لزوم پایبندی عراق به قطعنامه‌های شورای امنیت، نقش و عملیات کمیسیون ویژه بازرسی خلع سلاح عراق را که در آن سازمان ملل متحد متهم به گماردن جاسوس در رأس کمیسیون است، خلاف اخلاق بین‌المللی می‌داند.

* استقبال از تمهیدات اندیشیده شده به منظور برقراری مجدد نظامی کارآمد برای خلع سلاح.

توضیح آن که توافقاتی صورت گرفته است تا فعالیت کمیسیون جدید مسئول امور خلع سلاح بتواند عنداللزوم از قابلیت و همکاری انسکام، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، دبیرخانه سازمان ملل یا هر نهاد ذیصلاح دیگر بهره‌جوید.

موضع ایران

* تقبیح حملات و تأکید بر نقض اصول و قواعد آمره ناظر بر جامعه بین‌المللی که قبلاً ذکر آن رفت.

* تأکید بر حفظ تمامیت ارضی عراق و مخالفت صریح با تجاوز کشورهای بیگانه به قلمرو این کشور.

* واکنش در قبال اتفاقات اخیر به نحوی که بالاترین منافع ملی را برای کشور داشته باشد.

* اظهار تردید در قبال توفیق امریکا در برنامه سرنگونی صدام به جهت ناهمگنی عناصر معارض و عدم اقبال آنها در صورت ارتباط با امریکا.

* بیداری و توجه عمیق ایران به مسئله از نقطه نظر اهمیت ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی عراق. خلع سلاح ناقص آن کشور و وجود خطری بالقوه از جانب آن کشور، لزوم حفظ آمادگی برای دفاع مشروع در جلوگیری از سرایت اغتشاشات داخلی احتمالی عراق به مناطق مرزی ایران و زیر نظر داشتن کلبه تحرکات منطقه‌ای.

* اشاره به این نکته که حرکت‌های اخیر امریکا ناشی از استمرار و تداوم سه پیش‌سלט در میان دولتمردان امریکایی است.

اول: نگرش مسلط و بسیار مخرب و خطرناک متأثر از بلامنازع انگاشتن ایالات متحده امریکا و تصمیمات متخذه توسط آن کشور در صحنه بین‌المللی در وجوه مختلف، که این امر خود ناشی از

نگرش ارباب مابانه این کشور در قبال سایر کشورها - البته با شدت و ضعف‌های متفاوت - است. دوم: عدم پای‌بندی اصولی و فقدان ارزش‌گذاری و اهمیت برای مقررات و قوانین و عرف ناظر بر مناسبات بین‌المللی، امره بین‌المللی. سوم: تفکر بلا مانع بودن رفتار گزینشی در قبال مسائل بین‌المللی از نقطه نظر اخلاق بین‌المللی و وقع نهادن به افکار عمومی بین‌المللی که این خود نیز متأثر از اندیشه غالب تک قطبی شدن جهان از دید دولتمردان امریکا و اندیشه نادرست رهبریت ایالات متحده بر آن است.

۳- بحران در کوزوو

● اطلاعاتی در باب ایالت کوزوو

* ایالت کوزوو ۱۱۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و حدود ۲ میلیون نفر جمعیت دارد که هشتاد درصد آن آلبانیایی تبار و فقط ۱۰ درصد صرب هستند. دیگر اقلیت‌ها عبارتند از: یوگسلاوها ۶/۷ درصد، کولی‌ها ۲/۲ درصد و ۲/۹ درصد سایر اقلیت‌ها.

* عدم تعادل میان رشد جمعیت مسلمان بالاخص آلبانیایی تبارهای کوزوو از یک سو، مسیحیان صرب و کروات از سوی دیگر همواره عامل نگرانی و تشویق مسیحیان به برهم زدن بافت جمعیتی بوده است. این نگرانی در جریان جنگ داخلی یوگسلاوی سابق که منجر به تجزیه این کشور گردید به نسل‌کشی مسلمانان توسط صرب‌های افراطی منجر شد.

* قانون اساسی سال ۱۹۷۴ میلادی کوزوو را «استانی خودمختار در سطح فدرال» دانسته و ویژگی‌های یک دولت را به آن اعطا کرده بود و قوانین صرب‌ها در این ایالت به صورت مستقیم قابل اجرا نبود. این موقعیت به اهالی کوزوو اجازه می‌داد تا از طریق «حق و تو» بر کارکرد فدراسیون نظارت داشته باشند. به تدریج آلبانیایی تبارهای کوزوو آشکارا خواستار استقلال شدند به ویژه آن‌که روحیه جدیدی در همه جای اروپای شرقی و به ویژه در یوگسلاوی حاکم شده بود.

* دولت صربستان در مارس ۱۹۸۹ میلادی خودمختاری را که در سال ۱۹۷۴ به کوزوو داده شده بود به طور یک جانبه لغو کرد. در پی این اقدام در همه پرسشی که در سال ۱۹۹۱ در این ایالت برگزار شد مردم ایالت کوزوو به «جمهوری» رأی مثبت دادند و اقدام به تصویب قانون اساسی مستقلی نمودند و به دنبال آن آلبانی نیز این جمهوری را به رسمیت شناخت. به دنبال این اقدامات تهدید، سرکوب و ارباب صرب‌ها تشدید یافت.

وقوع بحران کوزوو و مواجهه با آن

* اشاره بر این که بروز بحران در کوزوو را باید حلقه‌ای از زنجیره «تفوق طلبی صرب‌ها» در جهت تحقق تفکر افراطی ایجاد «صربستان بزرگ» تلقی کرد و آن را به نوعی دنباله و استمرار فاجعه بوسنی - هرزه گوین قلمداد کرد. توضیح آن که تمایل به شدت ناسیونالیستی افراطی صرب‌ها که در فجاج بوسنی و کوزوو به حد خطرناک و همراه با قتل عام آغاز شد، ریشه‌ای تاریخی دارد که صرب‌ها در هر زمان که مجال یافته‌اند و شرایط سیاسی داخلی را مطلوب دانسته‌اند نسبت به تحقق آن هرگونه تجاوزی را علیه سایر ملیت‌ها روا داشته‌اند که آخرین زنجیره آن را مسلمانان کوزوو تشکیل می‌دهند.

* اشاره به این که صرب‌ها در تحقق آرزوی خود نه تنها به جنگ‌های محلی و متعارف مبادرت کرده‌اند، بلکه ددمنشانه‌ترین شیوه‌ها را - که حقوق ناظر بر مخاصمات آن را صریحاً ممنوع ساخته‌اند - نظیر نسل‌کشی، تصفیه قومی، پاک‌سازی نژادی و صدها عملکرد سبعانه دیگر که هر آزاده‌ای را به نرزه در می‌آورد - اعمال کردند.

* تأکید بر این نکته که مداخلات نیروهای ارتش و پلیس صرب به گونه‌ای است که دیگر نمی‌توان چنین درگیری‌هایی را در قالب مصادیقی نظیر شورش داخلی، منازعه ملی و امثالهم قلمداد کرد که تبعات آن به لحاظ جغرافیایی محدود است. بلکه چنین مخاصماتی را باید دارای ابعاد فراملی دانست که نه تنها کشوری خاص یا مناطق هم‌جوار را متأثر می‌سازد؛ بلکه به جهت تأثیری که در تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی دارد و به جهت نقض عدیده مواد مصرحه در «حقوق مخاصمات مسلحانه» (فارغ از آن که آن را داخلی یا غیر داخلی قلمداد کنیم) نیازمند توجه و واکنش بین‌المللی است.

* اشاره به این که جنایات صرب‌ها در کوزوو، از جهات بسیاری من جمله ابعاد حمله به افراد غیر مسلح، ابزار و ادوات مورد استفاده در جنگ، سوءاستفاده جنسی از اناث و... عدم رعایت حقوق ناظر بر اسیران و پناه‌جویان مشابه بوسنی است و واکنش بین‌المللی را می‌طلبد.

* اشاره به این که اگر صرب‌ها - به طور جدی و پی‌گیرانه‌تر و مصرانه‌تری - از جانب دادگاه جنایات جنگی بوگسلاوی سابق مورد تعقیب و مجازات قرار می‌گرفتند و تمهیداتی در خصوص ضمانت‌های اجرایی قوی‌تر برای مجازات سردمداران آن اندیشده می‌شد، فرصت تهاجمی دیگر را از دست می‌دادند.

* اشاره به این که واکنش جامعه بین‌المللی در قبال جنایات کوزوو متناسب با ابعاد آن نبوده و اختلاف نظرهای سیاسی موجود در خصوص موضع‌گیری‌های لازم، مانع از بروز عکس العمل بایسته شده است که در این میان اختلاف نظر روسیه و جوامع غربی در خصوص استفاده از نیروی نظامی در کوزوو حائز اهمیت بسیار است.

توضیح این که اعضای شش‌گانه گروه تماس بین‌المللی (انگلیس، آمریکا، روسیه، فرانسه، آلمان و ایتالیا) خواستار حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران کوزوو هستند. کلیه اعضای این گروه - به استثنای روسیه - بارها سیاست سرکوب و ارعاب ارتش صرب را در این ایالت محکوم کرده‌اند.

* نگرانی آمریکا از وقوع جنگ در کوزوو به دو دلیل است: اول، درگیر شدن دیگر کشورهای منطقه نظیر آلبانی، یونان و ترکیه و دیگر این که افکار عمومی جهان نمی‌تواند موج جدیدی از جنایت علیه بشریت را نادیده بگیرد و این امر ممکن است از یک سو باعث ورود ایالات متحده به بحران شود و از سوی دیگر در صورت خودداری این کشور از واکنش، کشورهای دیگر رهبری مبارزه را به دست گیرند. واشنگتن سعی دارد تا ضمن مخالفت با تشدید جنگ داخلی در کوزوو به صورت مسالمت‌آمیز از دخالت اجباری نیروهای خود در جنگی ناخواسته جلوگیری به عمل آورد.

* اشاره به این که دخالت جامعه بین‌المللی در رفع بحران کوزوو باید همه‌جانبه و از طریق سازمان ملل متحد صورت گیرد.

* اشاره شود که حتی اگر مذاکرات صلح مورد توافق قرار گیرد و همان‌طوری که قرار است هر روز دیگر (مطابق با ۱۷ بهمن) آغاز شود باید دارای آنچنان ضمانت‌های اجرایی قوت‌مندی داشته باشد که:

- به منطقه بالکان در درازمدت آرامش بخشد و تمهیداتی را در چگونگی اعمال عملیات بازدارنده

پیش‌بینی کند.

- از حق ملیت‌های ساکن در منطقه حمایت کند.

- امکان وقوع درگیری‌های مشابه را از بین ببرد.

مواضع

* اشاره به ضرب الاجل «ناتو» و لزوم حصول به توافق بین میلویشویچ با مردم کوزوو و تهدید «خاویر سولانا» به انجام حمله هوایی به یوگسلاوی.

* اشاره به لزوم گردن نهادن میلویشویچ به خواسته‌های جامعه بین‌المللی.

* ارجح بودن اتخاذ تصمیم حمله از طریق سازمان ملل و اشاره به احتمال عقیم ماندن آن از طریق و تسوی روسیه.